

"بسمه تعالی"

مسجد و جنبه‌های عبادی آن

مهدی سلطانی رنانی

مسجد از نگاهی خانه‌ی خداست^۱ و از منظری دیگر مجلس و جایگاه پیام‌آوران بزرگ الاهی و مأوای همه‌ی تقوایبندگان است:

«الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ»^۲

«الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ...»^۳

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست. از این رو، توصیف این خانه‌ی بزرگ و پرشکوه را باید از زبان صاحب آن شنید و برای شناخت و پی‌بردن به گوشه‌ای از فضائل و عظمت این بنیان مقدس، برترین راه دل سپردن به قرآن کریم است. در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاکی است که سرچشمه‌ی همه‌ی بزرگی‌هاست:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۴، و مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ کس را با خدا

مخوانید.

پروردگاری که خود مسجد را بزرگ داشته است، به بزرگداشت آن نیز فرمان داده است^۵ و این مکان را مرکز پرستش خالصانه و توحید ناب قرار داده است.^۶ مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است:

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. همان، ص ۳۶۲.

۴. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

۵. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

۶. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

تَعُوذُونَ»^۷، بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و درحالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید؛ همان‌گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...»^۸، منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی -که پیرامون آن را برکت داده‌ایم- سیر داد... .

مسجد زیارتگاه خاص خداوند است:

«أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ يُبْوَتُهُ أَلَّا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»^۹، خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌ی خویش وضو بگیرد؛ آن‌گاه مرا در خانه‌ام زیارت کند.

در مسجد، انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش برای عرش‌نشینان پرتوافکنی می‌کند؛ آن‌سان که ستارگان آسمان برای ما خاک‌نشینان نورافشانی می‌کنند. یکی از نقش‌های اساسی مسجد فراهم‌کردن زمینه‌ی عبادت پر حضور و خاشعانه است تا مؤمنان، در آنجا، با پرداختن به نماز، ذکر و دعا زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیرند. پس ساختن، تعمیرکردن و آبادان نگاه‌داشتن این جایگاه پرفروغ افزون‌برآنکه نشانه‌ی ایمان است، فقط در قلمرو صلاحیت مؤمنان خداجوی جای گرفته است^{۱۰} تا آنان با الهام از جوهر ایمان که مایه‌ی جان‌های پاکشان گشته است، این بنای مقدس را از بُن برپایه‌ی «تقوا» و «خشنودی خداوند» پی‌ریزی کنند^{۱۱}. درنتیجه، دستان ناپاکی که با گفتار و کردار بر کفر، شرک و آلودگی خویش گواهی می‌دهند از این عمارت کوتاه خواهد ماند.^{۱۲}

^۷. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

^۸. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

^۹. المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

^{۱۰}. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸

^{۱۱}. همان، آیه‌ی ۱۰۹

^{۱۲}. همان، آیه‌ی ۱۷

عبادت و رازونباز با خداوند نیاز واقعی و فطری هر انسان است و مکمل شخصیت اوست. اگر چه عبادت در هر مکانی این نیاز روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. براین اساس، انسان بنا بر فطرت خویش معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می‌ورزد. پژوهش‌های تاریخی حاکی از آن است که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از این رو، معصومان (علیهم‌السلام) در سخنان خویش مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد.

امام صادق (علیه‌السلام) به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی به نماز و مسجد پناه ببرند. در کتاب کریم الاهی نیز رونق مسجدها تا آنجا مهم شمرده شده است که یکی از رازهای تشریح فریضه‌ی «جهاد»، پاسداری از پرستشگاه پر عظمت در برابر یورش حاکمان خودکامه و ستمگر بیان شده است.^{۱۳} هنگامی که زورمداران بر تخت می‌نشینند، مسجدها را ویران می‌کنند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذاری نمی‌کنند. راز این امر روشن است؛ آنان با توحید و یکتاپرستی در ستیزند و مسجد تجلی‌گاه توحید است.

حضور مؤمنان خداجوی در مسجد حضوری عاشقانه و برخاسته از محبت سرشار آنان به مسجد است^{۱۴} که از عشقی فطری و نیازی طبیعی سرچشمه می‌گیرد؛ همچون رفت‌وآمد پرندگان به آشیانه‌ی خویش.^{۱۵} اینان به فرمان «یا بَنی آدَمَ خُذُوا زینَتَکُم عِنْدَ کُلِّ مَسْجِدٍ»^{۱۶} (ای فرزندان آدم جامه‌ی خود را در هر نمازی بربگیرید) خود را به زینت «اخلاص» و «فرمانبرداری از حق» می‌آرایند و برای زمزمه‌ی عاشقانه با محبوب ندای «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^{۱۷} را عملاً پاسخ می‌گویند.

در نگاه آنان، این محبت از عشق‌ورزیدن به دیگر مقدسات دینی جدایی‌ناپذیر است. آن‌ها عشق به

^{۱۳} . سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

^{۱۴} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۴.

^{۱۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۳، روایت ۱۴.

^{۱۶} . سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

^{۱۷} . سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

مسجد و حضور در آن را حلقه‌ای از یک زنجیره می‌یابند؛ زنجیره‌ای که از چند عشق ناگسستنی و به هم پیوسته ترکیب شده است: عشق به آفریدگار جهان، عشق به حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، عشق به خاندان پاک پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عشق به کتاب آسمانی و عشق به مسجد.

«مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْيُحِبَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّنِي فَلْيُحِبَّ عِزَّتِي وَ مَنْ أَحَبَّ عِزَّتِي فَلْيُحِبَّ الْقُرْآنَ وَ مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيُحِبَّ الْمَسَاجِدَ...»^{۱۸}

به همین دلیل است که قرآن مجید آنان که دین باوران و حق جویان را از ذکر و یاد خدا در مسجد باز می‌دارند یا در راستای آن گام می‌نهند از ستم‌بیشه‌ترین انسان‌ها معرفی کرده است و کیفر این افراد را خذلان و خواری دنیا و عذاب عظیم الهی در سرای جاودانه دانسته است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۹}، و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا نام وی برده شود و در ویرانی آن‌ها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.

مسجد کانون درخشانی است که انوار تابناک الهی را بر گستره‌ی زمین می‌پراکند: «الْمَسَاجِدُ أَنْوَارُ اللَّهِ»^{۲۰}. مسجد همچنین برترین و گرمی‌ترین مکان‌های زمین شناخته شده است^{۲۱} و در جایگاه اصیل خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کثی و گمراهی؛ آن‌گونه که اهلش نیز بر کنار از ضلالت‌اند.^{۲۲} اهل مسجد نیک می‌دانند که هر گام متواضعانه و به دور از شائبه‌ای در مسیر آمدوشد به مسجد نشانی از عبودیت و خاکساری به آستان معبود است و آگاه‌اند که این قدم‌ها همگی در کتابی ثبت می‌شود

^{۱۸} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، روایت ۲.

^{۱۹} . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴

^{۲۰} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸، روایت ۲۰.

^{۲۱} . وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۴، روایت ۱.

^{۲۲} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، روایت ۲.

که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نمی‌گذارد:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^{۲۳}، آری!

ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم.

دلباختگان مسجد بر حضور مداوم در خانه‌ی دوست پایداری می‌ورزند و فقط به دنبال کسب رضوان الاهی هستند.^{۲۴} آنان ارمغان همنشینی با صدیقان و شهیدان و حضور در محفل پیام‌آوران بزرگ الاهی در بهشت را در سایه‌ی آمدوشد به مسجد به چنگ می‌آورند.^{۲۵} نوری نصیبشان می‌شود که در پرتو آن تاریکی‌های جهان دیگر را همچون برق می‌پیمایند^{۲۶} و از سوی خداوند رحمت و آسایش آنان را در بر می‌گیرد. اینان آسان از «صراط» گذر می‌کنند^{۲۷} و در کنار عشق خدا مأوی می‌گزینند.^{۲۸}

در آئین اسلام ناب و پاک محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مسجد مرکز نشر معارف آسمانی نیز هست.^{۲۹} خداجویان و حق‌طلبان گوهر گران‌بهای آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس به دست می‌آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین‌باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می‌گیرند. زمزمه‌ی آیه‌های جان‌فزای قرآنی، فهم گوشه‌ای از رازهای پنهان کلام الاهی و تفسیر و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقر والا صورت می‌گیرد. مسلمانان علوم اسلامی گوناگون را از فقه، حدیث، تفسیر و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی - سیاسی در خانه‌ی خدا فرا می‌گیرند که منزلگاه خود آن‌هاست. بدین‌سان است که مسجد در اسلام کانون مبارزه با جهل و نادانی می‌شود. مسجد سدی است شکست‌ناپذیر در برابر امواج ویرانگر و بنیان‌براندازی که فرهنگ و اندیشه‌ی دینی را هدف قرار می‌دهد.

^{۲۳} .سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲

^{۲۴} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۶.

^{۲۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵، روایت ۴.

^{۲۶} . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، روایت ۵.

^{۲۷} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

^{۲۸} . همان، ص ۳۶۵، روایت ۳.

^{۲۹} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱.

متأسفانه، با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد دارد، نقش و جایگاه مهم آن حتی برای ما مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است. چه بسیار کسانی که خود را از این خوان گسترده، چشمه‌ی جوشان و دریای بی‌کران محروم کرده‌اند، با این مرکز مقدس ناآشنا و بیگانه‌اند و از آن توشه‌ای بر نمی‌گیرند و با آن الفتی ندارند. از این روست که مسجد از آنان، به‌ویژه اگر از همسایگانش باشند، به خداوند متعال شکایت می‌کند و شکایتش هم پذیرفته می‌شود و چنین انسان‌هایی از همنشینی و قرب حق تعالی در بهشت بی‌بهره می‌شوند. رحمت الاهی با همه‌ی گستردگی‌اش آن‌ها را در بر نمی‌گیرد و اگر بدون عذر نمازهایشان را در مسجد نخوانده باشند، عبادتشان مقبول درگاه الاهی نمی‌افتد.^{۳۰} با آنکه اولیاء و بزرگان دین مظهر مهربانی و رحمت هستند، به چنین کسانی با دید عطوفت نمی‌نگرند.^{۳۱} مسلمانان بیدار دل نیز به فرمان پیامبر خویش آنان را مؤمن خداجوی و مسلمانی کامل به‌شمار نمی‌آورند.^{۳۲} اگر ما مسلمانان نمازمان را در مسجد بخوانیم، نخست امیدهای واهی دشمنان پیدا و پنهان جامعه‌ی اسلامی را ناامید می‌کنیم و سپس به قدر توان خویش در راستای آبادانی و رونق این مکان مقدس تلاش می‌کنیم تا هم در این جهان سربلند زندگی کنیم و هم در جهان آخرت.

راز نامگذاری مسجد

قرآن کریم علت نامگذاری «مسجد» را چنین می‌داند: مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محل سجده و مقرر تواضع در برابر پیشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی است و در میان همه‌ی عبادت‌ها، حتی در مقایسه با دیگر اجزای نماز نیز، شرافت و برتری ویژه‌ای دارد. بنابراین، مسجد به معنای محل سجده و نماز و در واقع به مفهوم جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال است.^{۳۳}

قرآن کریم مسجد را «بیت‌الله» نیز نامیده است.^{۳۴} راز این نامگذاری آن است که مردم در این

^{۳۰}. همان، ص ۴۷۹، روایت ۸.

^{۳۱}. همان، ص ۴۷۸، روایات ۲، ۶، ۷، ۹.

^{۳۲}. همان و علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۵.

^{۳۳}. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸.

^{۳۴}. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶ و وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، روایت ۵.

مکان به سوی خداوند متعال تقرب می‌جویند و با عبادت خالصانه و پر حضور به‌سوی او ره می‌سپارند. همان‌گونه‌که انسان برای یافتن کسی او را در خانه‌اش می‌جوید، برای ملاقات با پروردگار نیز باید به مسجد شتافت که منزلگه اوست. پس خانه‌ی خدا درحقیقت خانه‌ی مردم و محل گردآمدن آنان برای پرستش و بندگی حق تعالی است.

قرآن همچنین کعبه را خانه‌ای برای مردم به‌شمار آورده است که برترین خانه‌ی خدا روی زمین است و می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَلَدًا مَبْرُكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^{۳۵}، درحقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه‌ی] هدایت است.

مسجد کانون پرستش خالصانه

معمولاً، در قرآن کریم هر جا سخن از مسجد به میان آمده است، جنبه‌های عبادی آن در اولویت قرار گرفته است و نقش اولیه و بنیادی این جایگاه مقدس به‌شمار رفته است. در آیه‌های متعددی مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است. قرآن کریم در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جن می‌فرماید:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»، و مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ کس را با خدا مخوانید.

در تفسیر «مجمع‌البیان» درباره‌ی کلمه‌ی مساجد، در این آیه، چهار معنی از مفسران نقل شده است. برخی برآن‌اند که مراد اعضای هفت‌گانه است که انسان باید هنگام سجده آن‌ها را بر زمین بگذارد. از امام محمد تقی (علیه‌السلام) نیز روایتی نقل شده است که ایشان در جواب معتصم این آیه را همین‌گونه تفسیر کرده‌اند.^{۳۶} برخی دیگر از مفسران برآن‌اند که مقصود از «مساجد»، در این آیه، همه‌ی زمین است؛ زیرا

^{۳۵} . سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۹۶.

^{۳۶} . وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۰، روایت ۵.

همان گونه که گفتیم در آئین محمدی (صلی الله علیه و آله) همه‌ی زمین مسجد و پرستشگاه است. براساس نظر سوم، این کلمه در معنای نماز به کار رفته است؛ زیرا مسجد به مفهوم سجده است و مراد از سجده نیز همه‌ی نماز است. سرانجام، معنای چهارم آن است که منظور از مساجد مکان عبادت مسلمانان است؛ همان مفهومی که ذهن هر مسلمان، با شنیدن واژه‌ی مسجد، آن را به یاد می‌آورد. شاید بتوان گفت: روشن‌ترین معنی برای آیه‌ی مورد بحث همین معنای اخیر است که برپایه‌ی آن مساجد معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر شده است. این مفهوم با آنچه امام جواد (علیه السلام) نیز درباره‌ی این آیه نقل کرده است منافات ندارد؛ بلکه ایشان با این سخن از معنای باطنی آیه پرده برداشته است. ایشان فرموده‌اند که قرآن گاه معانی مختلف هفتادگانه دارد.^{۳۷}

خداوند متعال در آیه‌ی دیگری می‌فرماید:

«قُلْ أَمْرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^{۳۸}، بگو: پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و درحالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.

در این آیه، در مورد معنای کلمه‌ی «مسجد» نیز مباحثی مطرح شده است؛ شبیه آنچه در آیه‌ی قبل گذشت.^{۳۹} چنانچه واژه‌ی مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کنیم، از این آیه استفاده می‌شود که مسجد جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زیرا خداوند نخست انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد و سپس از او می‌خواهد دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد و این آیه به روشنی مفهوم فوق را نمایان می‌کند.

^{۳۷} در روایتی که از پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید نقل شده است، فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند. این امر گویای علم گسترده‌ی آنان به متون قرآن و معانی پوشیده‌ی آن است.

^{۳۸} سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹.

^{۳۹} مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.

مسجد خانه‌ی ذکر و یاد خدا

قرآن کریم در جایی دیگر به صراحت مسجد را جایگاه ذکر و یاد خداوند متعال معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«أذنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَ لَوْ لَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَ مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^{۴۰}، به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است؛ چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد؛ چراکه خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.

در ارتباط با این آیه‌ها چند نکته درخور توجه است:

۱. برپایه‌ی سخن مفسران، این آیه‌ها اولین فرمان‌هایی است که درزمینه‌ی تشریح «جهاد» نازل شده است.^{۴۱} این آیه‌ها اولین پیام آسمانی است که به مسلمانان اجازه می‌دهد در برابر تجاوز و آزارهای مشرکان قریش و هر متجاوز دیگری از خویش دفاع کنند. تا پیش از نزول این فرمان، مسلمانان بارها از سوی مشرکان آزار می‌دیدند و به‌همین دلیل نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آمدند و از ستم و آزار قریش گلایه می‌کردند؛ ولی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در پاسخ آنان می‌فرمود که هنوز خداوند متعال مرا به جنگیدن فرمان نداده است.^{۴۲}
۲. در فرمانی که از سوی سخنوری حکیم صادر می‌شود، چنانچه بنا باشد علت و راز صدور آن نیز بیان شود، مهم‌ترین انگیزه‌ای مطرح خواهد شد که در صدور آن نقش داشته است. در آیه‌های یادشده خداوند

^{۴۰} .سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۹ و ۴۰

^{۴۱} . مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۷ و ابن‌هشام نیز به نقل از عروه بن زبیر و جمعی از علما می‌گوید: این آیات اولین آیاتی است که طی

آن به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اذن جنگ و جهاد با کافران داده شده است. رک به السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۱۰.

^{۴۲} . همان.

در بیان رموز و تشریح جهاد می‌فرماید: اگر در ادیان الهی جهاد و مبارزه تشریح نمی‌شد و در نتیجه مؤمنان چیره نمی‌شدند و دشمنان دین مغلوب نمی‌شدند، معابد و پرستشگاه‌ها ویران می‌شد. از یک سو، این نکته نشان‌دهنده اهمیت ویژه و جایگاه والای مسجد در دین است و از سوی دیگر به این موضوع اشاره می‌کند که مسجد پرچم دین و مظهر اسلام و مسلمانان است. پیام دیگر آیه‌های یادشده این است که یکی از اهداف جهادگران مسلمان تلاش برای رونق بخشیدن به مساجد و جلوگیری از خرابی و رکود آنهاست. این مسئله آرمانی مقدس و آرزوی همه مسلمانانی است که صادقانه برای برپایی حکومت حق و عدل تلاش می‌کنند. این موضوع در آیه بعدی به شکلی صریح و روشن بیان شده است:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۴۳}، همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

پس آرمان اساسی کسانی که برای برپایی حکومت الهی تلاش و مبارزه می‌کنند آن است که مظاهر پرستش و بندگی خداوند در زمین، مساجد، آباد و پررونق باشد. گرچه «نماز» باید همه‌ی تار و پود جامعه‌ی اسلامی را فرا گیرد و در همه جا برپا شود؛ اما جایگاه اصلی نماز «مسجد» است. بنابراین، تلاش برای گسترش فرهنگ نماز در جامعه از تلاش در راه رونق و توسعه‌ی مساجد جدا نیست.

۳. خداوند در بیان وصفی از اوصاف مسجد می‌فرماید که در این مکان یاد خدا فراوان می‌شود. می‌دانیم هرگاه سخنوری حکیم بخواهد چیزی را توصیف کند، وصف یا اوصافی از آن را بیان می‌کند که در نظر وی اهمیتی ویژه داشته باشد. به‌طور طبیعی نیز کسانی که مخاطب چنین سخنی قرار می‌گیرند باید به آن توجه بیشتری بکنند. در مقام توصیف ویژگی مسجد، خداوند این مکان مقدس را محلی نامیده است که «نام خداوند در آن فراوان برده می‌شود». این امر به‌صراحت مشخص می‌کند که نقش اولیه و بنیادین مسجد در اسلام آن است که جایگاه ذکر و یاد حق تعالی باشد و مؤمنان، در آنجا، خداوند را با نام‌های نیکو بخوانند

و در این جایگاه مقدس است که بشر، برپایه‌ی فطرت خود، توحید و یگانگی خداوند را درک می‌کند و با یاد دائمی او به آرامش و اطمینان می‌رسد.

مسجد خانه‌ی تسبیح و ذکر مردان خدا

در آیه‌ی دیگری خداوند به این نکته تأکید کرده است که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبیح خداست و می‌فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^{۴۴}، در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود، در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند. مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیرو رو می‌شود می‌هراسند.

علامه‌ی بزرگوار، سید محمدحسین طباطبایی (رضوان‌الله‌علیه)، در تفسیر این آیه سخنانی دارند که حاصل آن چنین است: در این آیه، مقصود از «رفع» بیشترکردن قدر و منزلت مسجد است؛ یعنی تعظیم و بزرگداشت آن. اساساً، عظمت و بزرگی از آن خداوند است و هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند دارد در عظمت و بزرگی با وی شریک است؛ پس اگر خداوند به بزرگداشت چیزی اذن می‌دهد، در واقع با توجه به پیوند و ارتباطی است که آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می‌شود که راز بزرگی مسجد صفتی است که پس از کلمه‌ی «مسجد» ذکر شده است و آن «بردن نام خداوند در مسجد» است... ایشان درباره‌ی کلمه‌ی «بیوت» نیز می‌فرماید که قدر مسلم از معنای آن همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده. ایشان هنگام بحث درباره‌ی روایت‌هایی که پیرامون این آیه‌ها وجود دارد نیز با ذکر روایتی می‌فرماید: «خانه‌های پیامبران و

اُئمه (علیهم السلام) نیز از مصادیق کلمه‌ی بیوت است».^{۴۵}

همان‌گونه‌که ملاحظه می‌شود، در این آیه نیز وصف مسجد آن است که در آن نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح حق تعالی صبح و شام بدان روی می‌آورند. این نکته به‌روشنی آشکار می‌کند که رسالت اولیه و اساسی مسجد در اسلام این است که کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

آبادانی مسجد از دیدگاه قرآن

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^{۴۶}، مساجد الهی را فقط کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را پردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امید است چنین گروهی هدایت یابند.

در منظر قرآن، منظور از آبادکردن مساجد فقط آبادی ساختمان نیست؛ بلکه به‌معنای اجتماع و شرکت در مسجد نیز است. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مسجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن را. عمران و آبادانی مسجد، به هر شکلی که باشد، باید به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از بین پاک‌ترین افراد انتخاب شوند. از روزی که گروهی از زمامداران جبار یا ثروتمندان آلوده و گناهکار مسجد و مراکز اسلامی ساختند، روح معنویت و برنامه‌های سازنده در آن‌ها مسخ شد. از این رو، می‌بینیم که بسیاری از این مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضرار به خود گرفته است. بدین معنی که ساختمان‌هایی عظیم و باشکوه هستند و جلوه‌های ظاهری و زیبایی دارند؛ اما درونشان تهی و بی‌روح است.

ممکن است بعضی بگویند چه مانعی دارد از سرمایه‌های غیرمسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده کنیم؟ این افراد به این نکته‌ی اساسی توجه نمی‌کنند که اسلام همه جا عمل صالح را میوه‌ی

^{۴۵} . تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۴۲ و سیمای مسجد، ص ۴۲ و ۴۳.

^{۴۶} . سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸.

درخت ایمان می‌داند. نیت‌های ناپاک ممکن نیست عمل پاکی به‌وجود آورند و محصول مفیدی از خود بیرون دهند. جمله‌ی «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» در ادامه‌ی آیه روشن می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد جز در سایه‌ی شهادت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی این کانون‌های اسلامی به‌صورت مراکز انسان‌سازی در می‌آیند که پاسداران شجاعی داشته باشند؛ کسانی که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیر هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در مسجد پیاده نکنند. در یک کلام، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است عمران و آبادی معنوی مساجد است؛ یعنی مسجد باید کانونی باشد برای جنبش سازنده‌ی اسلامی درزمینه‌ی آگاهی و بیداری مردم، پاکسازی محیط و آماده‌کردن مسلمانان برای دفاع از میراث اسلام. مسجد را فقط کسانی باید آبادکنند که به خدا ایمان داشته باشند. آبادانی مسجد فقط روی هم گذاشتن سنگ و آجر نیست (کاری که چه بسا طاغوتیان بهتر انجام می‌دهند)؛ بلکه رونق‌دادن به آن با اجتماع نمازگزاران، زکات‌دادن و محراب قراردادن آن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خداست. عرفا گفته‌اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمین نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیور حرمت بیاریند و هرگز پیش مخلوق از بهر دنیا بر زمین نهند و جز خدای عزوجل را استحقاق سجود ندانند».

فخر رازی درباره‌ی ارتباط زکات و عمارت مسجد می‌نویسد:

«اعتبار اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات، در عمران و آبادی مسجد، گویی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد، در مسجد حضور به هم می‌رساند و مسجد را رونق می‌بخشد و وقتی زکات‌دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله این امکان معنوی آباد می‌گردد».

تأکید پیشوایان دین بر جنبه‌های عبادی مسجد

به پیروی از قرآن کریم، در سخنان معصومان (علیهم‌السلام) نیز بر جنبه‌های عبادی مسجد فراوان تأکید شده است. دقت در عمل‌کردن به احکام و آداب مسجد نشان می‌دهد که پیشوایان دین بر آن بودند تا مسجد جایگاهی مناسب باشد برای ذکر و یاد حق تعالی و مؤمنان بتوانند در آنجا با حضور قلب خدای را پرستش کنند.

برهمن اساس، آنان مسلمانان را از انجام هر کاری باز می‌داشتند که ممکن بود مسجد را از ایفای چنین نقشی باز دارد.

آراستن مساجد با طلا، نقاشی‌کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت‌کردن، اقامه‌ی حدود در مسجد، راه‌دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلندکردن صدا، به‌زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشیای گمشده و پیداشده در مسجد و اموری از این دست می‌تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت باز دارد. گاه اتفاق می‌افتد رفتار دیوانه‌ای در مسجد یا کارهای بچه‌گانه‌ی کودکی خردسال افکار نمازگزاران را پریشان کند. اعلام اینکه چیزی پیدا یا گم شده است، جمعی را از توجه به نماز و عبادت باز می‌دارد. بیرون آوردن شمشیر از غلاف یا آویزان کردن آن در سمت قبله‌ی مسجد ممکن است نمازگزاران را به وحشت بیندازد و آن‌ها را از عبادت باز دارد. تأکید بر حضور در مسجد با حالت طهارت و پاکیزگی، ترغیب نمازگزاران به آراستن خویش و استفاده از بوی خوش و برطرف‌کردن بوی بد دهان و بدن هنگام حضور در مسجد نیز برهمن اساس است. گاه دیده می‌شود بوی ناخوشایند بدن کسی در مسجد فضا را برای دیگر نمازگزاران تحمل‌ناپذیر می‌کند و در نتیجه آنان را از توجه شایسته به خداوند باز می‌دارد. سخن‌گفتن درباره‌ی امور دنیوی نیز با محیط عبادت تناسبی ندارد؛ گفتگوی دو یا چند نفر درباره‌ی امور دنیوی زمینه را برای تشویش افکار نمازگزاران فراهم می‌کند.

پیشوایان دین افزون بر بیان چنین احکام و دستورهایی، با تعبیرهای گوناگون بر این نکته پافشاری می‌کنند که مسجد اساساً برای عبادت و یاد خدا بنا شده است. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می‌کرد چیزی را گم کرده است و همچنین خطاب به کسی که تیر می‌تراشید فرمودند: «... إِنَّهَا لَغَيْرِ هَذَا بُنِيَتْ»^{۴۷}، ...مسجد را برای چنین کارهایی نساخته‌اند. از چنین سخنانی به‌روشنی استفاده می‌شود که مسجد، در اسلام، محلی برای عبادت و یاد خداست. لحن این گفتارها این نکته را نشان می‌دهد که مسجد مرکز عبادت و بندگی خداست و چنان در باور مسلمانان مسئله‌ای روشن بوده است که

پیامبر(صلی الله علیه وآله) فقط به بیان این سخن اکتفا کرده است که «مسجد را برای این کارها نساخته اند».^{۴۸} گرچه در مواردی، برای بیدارکردن غافلان، به نقش و رسالت اولیه‌ی مسجد اشاره شده است. پیامبر(صلی الله علیه وآله) خطاب به کسی که در مسجد شعر می‌سرود فرمودند:

«إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^{۴۹}، مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند.

و در مقام بیان فضیلت مسجدسازی نیز فرموده‌اند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا يُذَكِّرَ اللَّهُ فِيهِ بَنِيَّ لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»^{۵۰}، کسی که مسجدی را به این انگیزه که یاد خدا در آن شود بنا نهد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.

چنین سخنانی به روشنی رسالت اولیه‌ی مسجد را بیان می‌کند که همان پرستشگاه بودن آن است.

منبع: مرکز رسیدگی به امور مساجد

^{۴۸}. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ص ۴۷ و ۴۸.

^{۴۹}. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۳.

^{۵۰}. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۷.